

منابع مالی و درآمدی امامان معصوم علیهم‌السلام

shirzad.rohollah@gmail.com

روح‌الله شیرزاد / کارشناس ارشد تاریخ تشیع مؤسسه امام رضا علیه‌السلام

پذیرش: ۹۴/۱۰/۲۱

دریافت: ۹۴/۴/۱۹

چکیده

از اصول مشترک در سیره امامان معصوم علیهم‌السلام، تأمین منابع مالی در رفع احتیاجات خود و نیز شیعیان بوده است. ایشان روش‌هایی را برای کسب درآمد برگزیده‌اند که علاوه بر اهتمام خود بر آنها، شیعیان را نیز در عمل به آن توصیه کرده‌اند. صناعات و حرفه‌هایی از قبیل کشاورزی، تجارت و بازرگانی و منابع اجتماعی مانند خمس و موقوفات و نیز منابع عمومی (شامل هدایا و نذورات و کمک‌های مالی) نمونه‌هایی از منابع مالی و درآمدی معصومان علیهم‌السلام بوده است. نوشتار حاضر با رویکرد تحلیلی - توصیفی و با تکیه بر منابع تاریخی و حدیثی، کوشیده است تا با بیان روش‌های تولید منابع در سیره ائمه اطهار علیهم‌السلام، الگوی مناسبی برای معرفی راه‌کارهای تولید در جهت بهبود وضعیت مالی شیعیان و ترسیم سبک زندگی دینی، ارائه نماید.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد اسلامی، منابع مالی امامان معصوم علیهم‌السلام، سبک زندگی، سیره اقتصادی.

مقدمه

جسم ضامن سلامت روح از خطا بیان شده است و کسی که از خوردن غذا درمانده باشد، خطاپذیرتر دانسته شده است؛ همان‌گونه که امیرمؤمنان علی علیه السلام در سفارش به فرزندان امام حسن علیه السلام فرمودند: «انسانی را که در طلب معاش زندگی خود است ملامت نکن. کسی که غذایش فراهم نباشد خطای او هم بسیار خواهد بود» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۲، ص ۴۷). همچنین در روایات دیگر، سبب انجام فرمان‌های الهی، تغذیه جسمی بیان شده است: «به وسیله نان نماز می‌خوانید و روزه می‌گیرید و حج خانه خدا را به جای می‌آورید» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۷۳).

در برخی از فرمایش‌های ائمه معصوم علیهم السلام، فقر و تهی‌دستی به «مر بزر» تعبیر شده است (نهج‌البلاغه، ۱۳۷۹، ص ۶۶۵، ح ۱۶۳) که مراد از آن همان فاصله‌ای است که به سبب فقر بین انسان و پروردگارش ایجاد می‌شود و می‌تواند او را از مسیر هدایت و بندگی دورنگاه دارد. بنابراین، باید دانست که برای برقراری و حفظ امنیت و سلامت جامعه و ارتباط مردم با رهبران و کارگزاران، وجود یک اقتصاد خوب ضروری است تا مردم را از آفتی خطرناک، که موجب خودفروشی و دین‌فروشی می‌شود بر حذر دارد. در عصر امامان علیهم السلام نیز ایشان برای تأمین احتیاجات شخصی و حفظ شیعیان از درامان ماندن از آسیب‌های اقتصادی و به تبع، آن اعتقادی و فکری و همچنین جلوگیری از خطر سقوط و نابودی، اقداماتی برای تأمین معاش و حل مشکلات آنان انجام می‌دادند.

اهمیت کار و تلاش در تأمین هزینه زندگی

شرع مقدس اسلام مسئولیت تهیه و تأمین مایحتاج زندگی را بر دوش مردان قرار داده و وظایف زندگی با عدالت در میان زن و شوهر تقسیم شده است. بدین‌روی، باید گفت:

امامان معصوم علیهم السلام صرف‌نظر از جایگاه امامت و امتیازات معنوی، در سایر شئون زندگی، همانند شیعیان و انسان‌های عادی، از غریز و نیازهای طبیعی و مادی برخوردارند. بنابراین، همان‌گونه که زندگی بشر و استحکام بنیان خانواده، بر تأمین احتیاجات از طریق فعالیت و تلاش برای کسب درآمد استوار است، ائمه اطهار علیهم السلام نیز برای تأمین منابع زندگی در تلاش بودند تا رزقی حلال به دست آورند و از دیگران بی‌نیاز باشند. از سوی دیگر، امامت و رهبری معنوی جامعه، که وظیفه‌ای الهی بر دوش امامان معصوم علیهم السلام بوده، علاوه بر تأمین نیازهای خویش، کمک و حمایت مالی شیعیان برای حفظ آنان از خطر درمانده شدن را بر آنان لازم می‌گرداند؛ زیرا شیعیان در عصر امامان علیهم السلام، به‌عنوان مجموعه‌ای مخالف حکومت‌های وقت شناخته می‌شدند و از این‌رو، در وضعیت بدی، که از سوی حکام بر آنان تحمیل می‌شد به‌سرمی‌برند.

با نگاهی به سیره معصومان علیهم السلام در می‌یابیم که تلاش و پرداختن به فعالیت‌های اقتصادی از برجسته‌ترین ویژگی‌های آن بزرگواران بوده است. آنان با این روش، درس عزت نفس و استقلال در تأمین معاش به پیروان راستین خود آموخته‌اند. از سوی دیگر، اهمیت نقش اقتصاد در جامعه اسلامی و نیز اسلام و توجه امامان معصوم علیهم السلام بدین روش و اهتمام ایشان به انجام فعالیت‌های اقتصادی، خود بیانگر اهمیت موضوع اقتصاد و تأمین منابع مالی است.

این نوشتار نگاهی کوتاه به روش‌های کسب درآمد و اقسام فعالیت‌های اقتصادی در زندگی پیشوایان معصوم علیهم السلام دارد. پیش از ورود به بحث، لازم است نقش اقتصاد در دین و اهمیت آن بیان شود.

در آموزه‌های اسلامی و کلام معصومان علیهم السلام، خوراک

مئونه زندگی سفارش شده و در روایات، برآوردن احتیاجات مساوی با جهاد ذکر شده است. در این میان، روش‌هایی از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امامان معصوم علیهم‌السلام برای آموزش مسلمانان در به دست آوردن روزی حلال بیان شده که یکی از آنها زراعت و کشاورزی است که از منابع مهم اقتصادی ائمه اطهار علیهم‌السلام برای کسب درآمد بوده و از بهترین و پاک‌ترین مشاغل نزد خداوند نیز معرفی شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۶۰). در مجموع، با تکیه بر روایات فراوانی که در این باب آمده است، می‌توان گفت: والاترین مردم در قیامت از حیث جایگاه و منزلت، نزد خداوند، کشاورزان هستند (همان، ج ۵، ص ۲۶۱).

پس از رحلت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و گرفتن «فدک» از دست امیرمؤمنان علی علیه‌السلام، که منبع مهم درآمد برای خاندان پیامبر بود، ایشان برای تأمین معاش خود، به کشاورزی روی آوردند و نیز با حفر چاه (همان، ج ۵، ص ۷۴)، قنات‌ها، چشمه‌ها و باغ‌های متعددی ایجاد کردند و پس از اتمام آن، گاه آنها را می‌بخشیدند و گاه وقف می‌کردند که در منابع تاریخی و حدیثی بدان‌ها اشاره شده است (اشکوری، ۱۳۷۹).

روزی مردی از کنار امیرمؤمنان علی علیه‌السلام می‌گذشت. مشاهده کرد که کنار ایشان ظرفی از هسته‌های خرما قرار دارد. از ایشان پرسید: این چیست؟ حضرت پاسخ دادند: صد هزار نخل خرما، ان شاء الله. راوی می‌گوید: حضرت تمام آن هسته‌های خرما را کاشتند تا چیزی از آنها باقی نماند (همان، ج ۵، ص ۷۵).

در خصوص کشاورزی امام باقر علیه‌السلام نیز روایت شده است که روزی ایشان در اطراف مدینه و در هوای گرم مشغول بیل زدن و آماده‌سازی زمین بودند و بر اثر کار و گرمای شدید، عرق از پیشانی ایشان می‌ریخت. شخصی به ایشان رسید و گفت: خدا کار تو را سامان بخشید! آیا

نگاه اسلام یک نگاه صرف به بیان وظایف و تحمیل احکام نبوده، بلکه در تمام آموزه‌های دینی، حتی در جزئی‌ترین اعمال، پس از توصیه به انجام آن، به ارزش معنوی و جایگاه اخروی آن نیز اشاره شده است. در خصوص کار و تلاش مرد برای تأمین معاش زندگی هم از کلام معصومان علیهم‌السلام روایات متعددی ذکر شده که در کتب حدیثی شیعه، در باب «مَنْ كَدَّ عَلَى عِيَالِهِ» گنجانده شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۸۸).

در برخی از این روایات، اجر تلاش برای به دست آوردن مخارج زندگی، بیش از جهاد ذکر شده است (همان، ص ۷۲). از سوی دیگر، روایاتی در مذمت تنبلی و سستی در کار وارد گردیده که حتی در برخی از آنان، کم‌کار در تأمین مخارج زندگی، ملعون شمرده شده است (صدوق، ۱۳۷۶، ص ۲۸۹).

علاوه بر این، با مطالعه زندگی امامان معصوم: می‌بینیم که ایشان با موقعیت و جایگاه اجتماعی که در جامعه اسلامی و شیعیان داشتند، هیچ‌گاه نیاز زندگی خود را از شیعیان طلب نمی‌کردند، بلکه شخصاً مئونه زندگی خود را با کار و تلاش زیاد از راه‌های گوناگون به دست می‌آوردند.

منابع درآمد امامان شیعه علیهم‌السلام

در ادامه، منابع درآمدی ائمه اطهار علیهم‌السلام و سیره عملی ایشان در تلاش برای به دست آوردن هزینه زندگی خویش و مواجب شیعیانی که نیاز به کمک مالی داشته‌اند، ذکر می‌شود. همچنین به اموالی که از ناحیه دیگران به امام می‌رسید و منبعی مهم در تأمین نیازهای امام و شیعیان بوده اشاره خواهد شد.

۱. صناعات و حرف (منابع متکی بر تولید)

الف. کشاورزی و باغداری: در آموزه‌های اسلامی - همان‌گونه که بیان شد - کار و تلاش برای به دست آوردن

سزاست که بزرگی از بزرگان قریش در این هوای سوزان، این‌گونه در طلب دنیا باشد؟ اگر در همین حال اجل تو فرا رسد چه می‌کنی؟ امام فرمودند: «اگر من به سراغم آید و من در همین حال باشم، در حال اطاعت خداوند بوده‌ام که به وسیله کار، معاش خود و افراد خانواده خود را تأمین می‌کنم و از تو و دیگران بی‌نیاز می‌شوم» (همان، ج ۵، ص ۷۶).

امامان دیگر نیز بنا بر امکان و شرایط زمانه خویش، برای تأمین معاش خود، به کشاورزی مشغول می‌شدند؛ چنان‌که در روایتی از اسماعیل بن جابر نقل شده است که ابو عمرو شیبانی می‌گوید: روزی حضرت صادق علیه السلام را دیدم که لباسی خشن بر تن داشت و بیلی در دستان ایشان بود و در باغ خود مشغول به کار بودند و عرق از جسم ایشان می‌ریخت. عرض کردم: فدایت شوم! بیل را به من بدهید تا کار شما را انجام دهم. حضرت فرمودند: من دوست دارم در راه تهیه معاش و به دست آوردن روزی، حرارت آفتاب بینم و رنج آن را تحمل کنم (همان، ج ۵، ص ۷۶).

پیشوایان معصوم علیهم السلام علاوه بر اینکه خود در عرصه تولید و تلاش‌های اقتصادی پیش‌گام بودند، از تولیدکنندگان و کشاورزان نیز حمایت می‌کردند.

شخصی می‌گوید: در نزدیکی مدینه، صیفی‌کاری داشتم. زمانی که فصل برداشت محصول نزدیک می‌شد، ملخ‌ها آن را نابود کردند. من خرج مزرعه را با پول دو شتر بده‌کار بودم. نشسته بودم و فکر می‌کردم. ناگهان امام موسی بن جعفر علیه السلام را دیدم که در حال عبور از آنجا بودند؛ مرا دیدند و فرمودند: چرا ناراحتی؟ عرض کردم: به خاطر اینکه ملخ‌ها کشاورزی مرا نابود کرده‌اند.

حضرت فرمودند: چه قدر ضرر کرده‌ای؟ عرض کردم: یک صد و بیست دینار با پول دو شتر. حضرت به غلام خود فرمودند: یک صد و پنجاه دینار به او بده؛ سی دینار سود به اضافه اصل مخارج، و دو شتر هم به وی تحویل

بده! (اریلی، ۱۳۸۱ق، ج ۲، ص ۲۱۷).

امام به مسئولان و افراد جامعه می‌آموزند که این‌گونه باید به افراد آسیب‌دیده کمک کرد. امام کاظم علیه السلام در کمک به کشاورزی که زراعت او دچار خسارت شده بود، علاوه بر اصل سرمایه، مقدار سودی را که انتظار داشت به او پرداختند، ضمن اینکه حمایت معنوی خود را نیز اعلام داشتند و برای آن کشاورز دعا کردند و با ذکر روایتی از پیامبر، او را مشمول هدایت فکری و معنوی خود قرار دادند.

ب. کارگری: متأسفانه با گذشت زمان و ایجاد فاصله میان جامعه اسلامی، به‌ویژه شیعیان با امامان معصوم علیهم السلام و دسترسی نداشتن به ایشان و در نتیجه، انتقال نیافتن سیره عملی آن بزرگواران به شیعیان، تغییراتی در فرهنگ جامعه پدید آمده که حاصل اعمال سیاست‌های غلط خلفا و گسترش تفکرات ضداسلامی و شیعی بوده است. نمود آن در جامعه، نبود مساوات میان اقلیت مسلمانان و تبدیل آنان به دو قشر سرمایه‌دار و مستضعف است.

این رفتار بی‌شک، در زمان حضور ائمه معصوم علیهم السلام، به واسطه خلفا اعمال می‌شده است. با نگاهی کوتاه به زندگانی پیشوایانمان، درمی‌یابیم که ایشان برای برقراری مساوات و اهمیت دادن به قشر ضعیف جامعه و آموزش و انتقال روش به شیعیان و دوست‌داران، خود برای تأمین معاش زندگی، گاه به‌عنوان یک‌کارگر برای دیگران کار می‌کردند.

در یکی از روزهای وضع زندگی بر امام علی علیه السلام و خانواده‌شان تنگ شده بود، برای به دست آوردن غذا یا مالی که بتوانند با آن غذایی تهیه کنند از خانه بیرون آمدند. در یک فرسخی مدینه، به روستای کوچکی رسیدند و در آنجا زنی را دیدند که خاکی را آلت کرده، منتظر کارگر است. نزد او رفتند و پیشنهاد کمک دادند. قرار شد ایشان آب بیاورند و گل درست کنند تا برای دیوارکشی آماده شود و آن زن مقرر کرد برای هر دلو آب، یک عدد خرما اجرت

توجیه غلام خود، مصادف، برای تجارت، فرمودند: «من به سود مال علاقه‌ای ندارم، گرچه سود آن شایسته است؛ ولی می‌خواهم خداوند مرا در راه به دست آوردن سودهایش بنگرد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۷۶).

ثانیاً، ایشان علاوه بر نشان دادن راهکار و الگو به شیعیان در تأمین منابع مالی، خودکفایی و استقلال در اقتصاد را نیز از شاخصه‌های سیره امامان معصوم علیهم‌السلام ذکر کرده‌اند که حتی شرایط سخت نیز مانع رسیدن به هدف و انجام عمل نخواهد شد.

ج. تجارت و بازرگانی: از دیگر منابع درآمدی امامان معصوم علیهم‌السلام، تجارت بود که علاوه بر انجام آن، دوست‌داران خود را نیز بدان توصیه می‌کردند؛ اما برای تجارت شیوه‌ها و قوانین خاصی قرار داده بودند و آن را پلی برای رسیدن به اهداف الهی می‌شمردند؛ همان‌گونه که خداوند در قرآن درباره تاجران نیک فرموده است: «رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ» (نور: ۳۷). امام صادق علیه‌السلام در سفارش‌های خود به اصحاب، درباره فضل تجارت، اسباب رزق را ده تا بیان فرموده‌اند که نه تای آن از راه تجارت به دست می‌آید (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۲۳۳)، و از همین روی، شیعیانی که از تجارت دست می‌کشیدند، مورد عقاب و عتاب خود قرار داده، می‌فرمودند: تجارت را ترک مکنید که خوار و بی‌مقدار خواهید گشت.

در ماجرای مربوط به ترک تجارت یکی از شیعیان در عصر امام صادق علیه‌السلام آمده است: علی بن عبدالعزیز می‌گوید: امام صادق علیه‌السلام از من سؤال کردند: عمرین مسلم چه می‌کند؟ عرض کردم: فدایتان شوم! به عبادت روی کرده و دست از کسب و کار کشیده است. فرمودند: «ای وای! آیا نمی‌داند کسی که کار را رها کند هیچ دعایی از او به اجابت نمی‌رسد؟»، سپس فرمودند: «جماعتی از

دهد. آن روز امام شانزده دلو آب از چاه بیرون کشیدند و اجرتشان را از آن زن گرفتند. سپس حضرت به مدینه بازگشتند و ماجرا را به پیامبر گفتند و با خانواده مشغول خوردن خرماها شدند (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۱۵۶). امیرمؤمنان علی علیه‌السلام در شعری که منسوب به ایشان بوده در اهمیت استقلال در اقتصاد و تأمین منابع مالی چنین فرموده‌اند:

لَنْقُلَ الصَّخْرَ مِنْ قُلَلِ الْجِبَالِ

أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ مِئَةِ الرِّجَالِ

يَقُولُ النَّاسُ لِي فِي الْكَسْبِ عَارٌ

فَقُلْتُ الْعَارُ فِي ذُلِّ السُّؤَالِ

ترجمه: حمل سنگ‌های سنگین از بالای قله‌های کوه، برای من محبوب‌تر و آسان‌تر از زیر بار منت دیگران رفتن است. مردم به من می‌گویند: کسب و کار مایه ننگ و سرشکستگی است، ولی من می‌گویم: ننگ و عار، ذلت خواهش و گدایی است (میبدی، ۱۴۱۱ق، ص ۳۴۰).

علی بن ابی‌حمزه نقل می‌کند: روزی امام کاظم علیه‌السلام را دیدم که در زمینی مشغول کار هستند و عرق از پیشانی ایشان سرازیر است. به ایشان گفتم: فدایتان شوم! غلامان شما کجایند؟ حضرت فرمودند: من با دستان خود، مخارج زندگی را تأمین می‌کنم؛ همان‌گونه که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امیرمؤمنان علی علیه‌السلام و پدران من این‌گونه عمل می‌کردند. این عمل پیامبران و اوصیا و بندگان صالح خداوند است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۷۵).

اهتمام معصومان علیهم‌السلام بر تأمین نیازهای شخصی خود، از چند حیث قابل توجه و بررسی است:

اولاً، همان‌گونه که در اهمیت کار و تلاش گفته شد، روایات فراوانی در مدح کار و تلاش بیان گردید که نشانگر نوعی عبادت و رسیدن و پیمودن کمال انسانی و قرب به پروردگار است؛ همان‌گونه که امام صادق علیه‌السلام در

در روایت دیگری آمده است که امام صادق علیه السلام غلام خود، مصادف، را فراخواندند و مبلغ هزار دینار به او دادند و فرمودند: خود را برای تجارت آماده کن و به مصر برو. مصادف می‌گوید: خود را برای سفر آماده کردم و با تجار به مصر رفتم. زمانی که به شهر (مصر) نزدیک شدیم قافله تجاری را دیدم که از شهر خارج می‌شوند. نزد آنان رفتم و درباره کالایی که همراه ما بود از ایشان پرسیدم. در پاسخ گفتند: این کالا در مصر وجود ندارد و سوگند یاد کردند که در این تجارت، سود خوبی به شما خواهد رسید. مصادف می‌گوید: پس از اتمام سفر، نزد حضرت بازگشتم و ایشان را از تجارت خود و سود آن مطلع ساختم. حضرت تنها اصل سرمایه را از من گرفتند و فرمودند: به سود آن نیازی نیست (همان، ج ۵، ص ۱۶۱).

۲. منابع مالی دینی و اجتماعی

از دیگر منابع مهم و تأثیرگذار در تأمین منابع مالی امامان معصوم علیهم السلام، منابع دینی یا همان خمس و زکات و موقوفات است. اهمیت این دسته از منابع بدین روست که خداوند متعال آنها را متعلق به امامان معصوم علیهم السلام دانسته و به عنوان حقی از حقوق اهل بیت علیهم السلام بر مسلمانان برشمرده است.

الف. خمس: نیمی از خمس متعلق به امامان معصوم علیهم السلام است، از آن روکه ایشان برگزیده الهی برای هدایت مردم و جانشین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای مسلمانان هستند. خداوند متعال به این موضوع اشاره کرده، می‌فرماید: ﴿وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ﴾ (انفال: ۴۱)؛ بدانید که هر غنیمتی به شما می‌رسد خمس آن برای پیامبر و ذی‌القربی و یتیمان و بیچارگان و در راه ماندگان است. منظور از «ذی‌القربی» بنا بر روایات متواتر، اهل بیت

اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که آیه شریفه ﴿وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا﴾ نازل شد، مغازه‌های خود را بستند و در مسجد به عبادت روی آوردند و با خود می‌گفتند: خداوند ما را کفایت کرد. این موضوع به گوش رسول خدا رسید؛ نزد آنها فرستادند و پرسیدند: چه چیز شما را بدین کار که کرده‌اید، واداشت؟ گفتند: یا رسول‌الله، خداوند خود روزی ما را تکفل فرموده است. لذا، ما به عبادت و پرستش او رو کرده‌ایم. فرمودند: به راستی که هر کس چنین کند خداوند دعایش را اجابت نفرماید. بر شما باد که طلب روزی کنید و به کار و حرفه‌ای پردازید. سپس فرمودند: من دشمن دارم آن‌کس را که کار را ترک کند و دهان به روی آسمان بگشاید و بگوید: خداوندا، مرا روزی ده؛ و کوشش را رها کند» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۲۶۰).

این‌گونه است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام در بیان اهمیت کار، به‌ویژه تجارت، که از نیکوترین مشاغل نزد پروردگار است، کسانی را که از تجارت دست کشیده بودند تا عبادت خدا را بجای آورند، ملامت کردند. از سوی دیگر، ایشان می‌خواهد نکته مهمی را به شیعیان منتقل کنند: تنها راه رسیدن و برقراری ارتباط با معبود یکتا، عبادت نیست، بلکه کار و تلاشی که متضمن سلامت شخص و همچنین رفاه و آسایش جامعه و به تبع آن، اقتصاد خوب برای دور ماندن از خطا و گناه باشد، خود بالی است برای پرواز و عروج به ملکوت الهی و رسیدن به کمالات انسانی. معصومان علیهم السلام نیز برای انتقال این روش به شیعیان خود مشغول تجارت می‌شدند و یا اموالشان را نزد شخصی قابل اعتماد برای تجارت می‌سپردند.

محمد بن عوفی، که از اصحاب امام صادق علیه السلام است، به نقل از پدرش می‌گوید: «امام صادق هزار و هفت صد دینار به من دادند و فرمودند: با این پول برای من تجارت کن» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۷۶).

ما قرار داده است، از شما بازدارم و خود تصرف کنم (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۰۸).

برخی از شیعیان نیز از امام می‌خواستند تا ایشان خمس اموالشان را به آنها ببخشند و یا آنها را از پرداخت خمس معاف دارند که گاهی حضرات معصوم علیهم السلام درخواست بخشیدن و یا معاف شدن از پرداخت خمس را از ناحیه شیعیان رد می‌کردند. برای نمونه، جماعتی از خراسان خدمت امام رضا علیه السلام رسیدند و درخواست معافیت از پرداخت خمس داشتند که حضرت فرمودند: این چه نیرنگی است؟! با زبان خود با ما اظهار دوستی و اخلاص می‌کنید و حقی را که خدا برای ما قرار داده است، از ما دریغ می‌دارید؟! و در ادامه، فرمودند: نمی‌کنیم، نمی‌کنیم، و هیچ‌یک از شما را معاف نمی‌داریم! (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۴۸).

در روایت دیگری که از امام صادق علیه السلام نقل شده است: یکی از تجار فارس خدمت آن حضرت رسید و از ایشان درخواست عفو در پرداخت خمس کرد. حضرت صادق علیه السلام در پاسخ او، با اشاره به بیان حکمت و ضرورت پرداخت خمس و اینکه خمس، حقی از حقوق اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام است، تقاضای او را رد کردند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۰۷-۵۰۸). این روایت نشانگر آن است که متأسفانه برخی از شیعیان با نگاه سطحی به موضوع خمس و نداشتن درک از زمانه و احتیاجات دیگر شیعیان و امامان معصوم علیهم السلام به این اموال، که خداوند آنها را متعلق به امام می‌داند، تقاضای بازگرداندن اموال را از امام می‌کردند.

فلسفه خمس تأمین حقوق مالی امامان معصوم علیهم السلام و نیز نیاز شیعیان بوده است. بدین‌روی، گاهی که اشخاص توان پرداخت خمس را نداشتند و یا به آن نیازمند بودند، امام درخواست بخشش آنان را قبول می‌کردند. برای

اطهار علیهم السلام هستند (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۲، ص ۶۱). بر همین اساس، رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از جمع‌آوری غنایم، ابتدا خمس آن را برمی‌داشتند و سهمی از آن را به نزدیکان خود از بنی‌هاشم و بنی‌عبدالمطلب می‌دادند (ابن ابی‌جمهور، ۱۴۰۵ق، ج ۳، ص ۱۲۸، ح ۱۰)؛ چنان‌که در غزوه بدر، یک شتر بابت خمس به حضرت علی علیه السلام دادند (بخاری، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۱۱۲۵، ح ۲۹۶۵).

در کلام معصومان علیهم السلام نیز به وجوب پرداخت خمس به اهل بیت علیهم السلام اشاره شده است. روزی مردی نزد امیرمؤمنان علی علیه السلام آمد و گفت: یا امیرمؤمنان، من مالی به دست آورده‌ام که در تحصیل آن سهل‌انگاری کرده‌ام و مسائل حلال و حرام را به دقت منظور نداشته‌ام. پس آیا برای من توبه‌ای هست؟ فرمودند: خمس آن را نزد من بیاور. آن مرد چنین کرد (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۴۳). در بیان اموالی که خمس بدان‌ها تعلق می‌گیرد، در روایات معصومان علیهم السلام آمده است، امام کاظم علیه السلام خمس را چند چیز دانسته‌اند: «غنیمت، غواصی، گنج‌ها که بجویند، معادن و نمکزارها». در ادامه، ایشان سهام خمس را معین ساخته، می‌فرمایند: «سهام خمس شش تا است: سهم خدا، سهم رسول، سهم ذی‌القربی، سهم یتیمان، سهم مستمندان، سهم ابناء السبیل. سهم خدا و سهم رسول خدا پس از وی، از آن اولی‌الامر است به وراثت» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۳۹).

شیعیان نیز حق اهل بیت علیهم السلام را در مال خود پذیرفته و خمس اموال خود را خدمت امام تقدیم می‌کرده‌اند. مسموع می‌گوید: وجهی را خدمت امام صادق علیه السلام بردم و عرض کردم: از غواصی دریای بحرین به من واگذار شده است. من چهارصد هزار درهم استفاده کرده‌ام و خمس آن را که ۸۰ هزار درهم است، برای شما آورده‌ام. من نخواستم این وجه را، که حق شماست و خداوند در اموال

خارج کردند و صدقه برای مسلمانان قرار دادند (ابن اثیر، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۵۹۹-۶۰۰).

در خصوص صدقات و موقوفات امیرمؤمنان علی علیه السلام همین بس که ایشان فرمودند: اگر صدقه من امروز میان بنی هاشم تقسیم شود همگی را کفایت می کند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۱، ص ۴۰؛ نیز، ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۴۹).

دیگر امامان شیعه نیز برای تأمین احتیاجات شیعیان و انتقال روشی کارآمد برای بهبود وضع اقتصادی جامعه، اموال و زمین‌هایی را به‌عنوان موقوفه از خود بر جای می‌گذاشتند که به برخی از آنان اشاره می‌کنیم:

امام حسین علیه السلام زمین‌ها و اموالی را که به ایشان رسیده بود، وقف کردند. ایشان اطراف قبر مطهر خویش را از اهل نینوا و غاضریه به شصت هزار درهم خریدند و وقف آنان کردند، بدین شرط که زائران را به سوی مرقد مطهرش راهنمایی کنند و از آنان به مدت سه روز پذیرایی نمایند (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۶۱).

شیخ صدوق در کتاب *الفقیه*، وصیت‌نامه امام باقر علیه السلام را نقل نموده است: تا ده سال از مال آن حضرت، مبلغی قرار دهند که در موسم‌های حج، به جمعی بدهند و ایشان بر آن حضرت نوحه و عزاداری کنند تا ده سال به سر آید (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۱۸۲).

از امام موسی بن جعفر علیه السلام نیز وقف‌نامه‌ای نقل شده که در آن چنین آمده است: «این است آنچه را که موسی بن جعفر علیه السلام وقف کرد: همه زمین خود را که در فلان مکان قرار دارد و حدود (چهارگانه) زمین را، که از مشرق، مغرب و شمال چنین است، میان فرزندان موسی بن جعفر علیه السلام تقسیم کرد. برای هر مرد دو برابر سهم زن در نظر گیرند و اگر دختری از موسی بن جعفر علیه السلام ازدواج کرد سهمی از این صدقات ندارد» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۹، ص ۱۴۹ و ۱۵۰).

نمونه، از علی بن مهزیار روایت شده است که گفت: در نامه‌ای از امام جواد علیه السلام به مردی که از آن حضرت خواسته بود تا او را در خوردن و آشامیدنش از مال خمس حلال کنند، به خط آن حضرت خواندم که نوشته بودند: کسی که به چیزی از حق من احتیاج شدید داشته باشد استفاده از آن برای او حلال است (صدوق، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۴۴).

ب. موقوفات: از جمله موضوعات اسلامی که سبب گسترش عدالت و مساوات در میان جامعه و دارای آثار فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی بوده، وقف است و شارع مقدس نیز برای محرومیت‌زدایی از جامعه اسلامی بدان دستور داده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در بیان ارزش وقف می‌فرماید: «وقتی فرزند آدم می‌میرد عمل او قطع می‌شود، مگر از سه چیز: صدقه جاریه، علمی که از آن سود برده شود، و یا فرزند صالحی که برای او دعا کند» (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۳۳۷). «وقف» نمونه‌ای از صدقات جاریه است. در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام آمده است: «هیچ پاداشی انسان را پس از مرگ تعقیب نمی‌کند، مگر در سه خصلت: صدقه‌ای که در زمان حیات بدهد که این صدقه پس از مرگش تا روز قیامت به‌عنوان صدقه موقوفه غیرقابل ارث جریان خواهد داشت، یا سنتی نیکو که آن را بنیان نهد که خود بدان عمل کرده و دیگران نیز پس از او بدان عمل کنند، و یا فرزندی که برای او طلب مغفرت کند» (صدوق، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۳۲۳).

امامان شیعه که پرچم‌دار این روش نیکو بوده‌اند، در این عرصه خوش درخشیده‌اند. در پیشاپیش آنان، حضرت علی علیه السلام قرار دارد. ایشان چشمه‌های بسیاری را در مناطق گوناگون جزیره العرب مانند یثعب، سؤیفه (محلی نزدیک مدینه که آل علی علیه السلام در آن ساکن بودند) و مدینه ایجاد کردند. همچنین زمین‌های موات زیادی را احیا ساختند و پس از تکمیل واحداث، آنها را از ملکیت خود

۳. منابع عمومی

این دسته سهم کمتری از منابع تأمین نیازهای امامان معصوم علیهم‌السلام را شامل می‌شود؛ زیرا بخشش و نیز هدایا و نذوراتی که به دست امامان معصوم علیهم‌السلام می‌رسید تنها جنبه شخصی و احترام به جایگاه امام داشت، ولی اشخاصی که این‌گونه منابع را برای معصومان علیهم‌السلام می‌آوردند قصد تأمین نیازهای ایشان و یا کمک به بهبود وضع اقتصادی امام و نیز شیعیان نداشتند، اگرچه برخی از شیعیان اموالی را به‌عنوان هدایا خدمت امام می‌رساندند که ارزش مادی زیادی نیز داشت. اما باید گفت: این افراد بسیار کم بودند، و از سوی دیگر نیز در مقابل نیازهای شیعیان، منبع مهمی به حساب نمی‌آمد.

الف. بخشش‌ها و کمک‌های مالی: پیشوایان ما از آن نظر که رهبر شیعیان در تمام امور زندگی بوده‌اند، همواره مورد احترام و تکریم شیعیان واقعی عصرشان قرار داشته‌اند و رابطه‌ای دوسویه بین ایشان و علاقه‌مندانشان وجود داشته است. همان‌گونه که بیان شد، امامان معصوم علیهم‌السلام برای در امان ماندن شیعیان از گرفتاری‌های اقتصادی و مراجعه آنان برای دریافت مال، کمک خود را از آنها دریغ نمی‌کردند و همواره آنها را مورد احترام و لطف خود قرار می‌دادند. از سوی دیگر، برخی از شیعیان هم برای کمک رساندن به امام در این امور و تأمین مخارج آن حضرات و شیعیان، اموالی را به ایشان می‌سپردند. گاهی هم اموال و اجناسی از ناحیه خلفا به دست امامان معصوم علیهم‌السلام می‌رسید که در منابع تاریخی نمونه‌هایی از آن ذکر شده است که بدان اشاره خواهیم کرد.

گاهی شیعیان خود نزد امام شرفیاب می‌شدند و هدایایی را به ایشان تقدیم می‌کردند. فیض‌بن مختار می‌گوید: نزد امام صادق علیه‌السلام بودم که ابوالحسن موسی علیه‌السلام درآمد، درحالی‌که کودک بود. او را دربر گرفتم و بوسیدم.

مرحوم کلینی در اصول کافی می‌نویسد: یزید بن سلیط می‌گوید: امام موسی بن جعفر علیه‌السلام وصیت فرمودند و ده نفر را گواه گرفتند... تا آنجا که می‌نویسد: امام وصیت کردند: تولید ثلث موقوفه پدرم امام صادق علیه‌السلام و ثلث خودم نیز با فرزند امام هفتم علیه‌السلام است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۱۶، ح ۱۵). از این کلام حضرت که فرمودند: «تولیت ثلث موقوفه پدرم»، معلوم می‌شود که امام صادق علیه‌السلام هم موقوفه‌هایی در اختیار داشتند.

در روایت دیگری از علی بن ابراهیم آمده است که پدرم به من گفت: من خدمت امام محمد تقی علیه‌السلام بودم که صالح بن محمد بن سهل، که متولی اوقاف قم بود، وارد شد و به حضرت عرض کرد: آقای من! آن ده هزار را بر من حلال کنید؛ زیرا آنها را خرج کرده‌ام. به او فرمودند: حلال باد. چون صالح بیرون رفت، امام جواد علیه‌السلام فرمودند: شخصی به اموال آل محمد و یتیمان و مساکین و فقرا و در راه ماندگان‌شان می‌تازد و می‌خورد، سپس می‌آید و می‌گوید: مرا حلال کن! گمان می‌کند من می‌گویم: نمی‌کنم؟! (من می‌گویم حلالت باد) ولی به خدا که در روز قیامت، خدا از آنها بدون مسامحه سؤال خواهد کرد (همان، ج ۲، ص ۵۴۸).

در کتب حدیثی و منابع تاریخی نیز از قریه‌ای سخن به میان آمده است که نشان ملکیت امام باقر علیه‌السلام و امام صادق علیه‌السلام بر آن وجود دارد. مؤلف کتاب تاریخ قم، در کتاب خود، درباره توضیح این مکان، این‌گونه نقل کرده است: «عریض» از توابع مدینه است که فاصله زیادی با مدینه دارد و این روستا از املاک امام باقر علیه‌السلام است که امام صادق علیه‌السلام نیز این ملک را برای فرزندش علی، که در زمان وفات امام صادق علیه‌السلام دو سال بیشتر نداشت، وقف کرده‌همن امر سبب شهرت او به «علی عریضی» شد (عریضی، ۱۴۰۹ق، ص ۱۷). در روایات دیگر نیز نشانی از حضور امام رضا علیه‌السلام در این ملک وجود دارد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۵۶۹).

علی بن حسن در گزارشی وصیت محمد بن عبد الله بن زراره به برادرش احمد، مبنی بر وصیت خانه و بقیه ماترک خود برای امام هادی علیه السلام را نقل کرده است. در گزارشی از ابوالقاسم کاتب راشد نیز نقل شده است که مردی جبلی به وصیت پدرش چهار هزار دینار، به امام حسن علیه السلام پرداخت (اربلی، ۱۳۸۱ق، ج ۲، ص ۴۲۶).

در این میان، اصحابی که از جایگاه اجتماعی و مناصب حکومتی برخوردار بودند و یا وضع مالی شان خوب بود، اموال فراوانی را خدمت امام تقدیم می کردند که کمک بسزایی برای شیعیان و احتیاجات آنها به حساب می آمد.

علی بن یقطین از این گونه افراد بود که از کارگزاران مهم خلافت عباسی و همچنین از شیعیان اهل بیت علیهم السلام و راوی اخبار ایشان به شمار می آمد. تولد او را در سال ۱۲۴ق در کوفه و وفاتش را در ۱۸۲ق در بغداد نوشته اند. بنا بر گزارش های تاریخی، اولین بار در عصر مهدی عباسی به ریاست دیوان «زام الأزمه» (که مسئولیت بازرسی کل دیوان های دولتی را بر عهده داشت) انتخاب شد (طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۸، ص ۱۴۲ و ۱۶۷). در کتب رجالی و حدیثی شیعه، ماجراهای متعددی از کمک های مالی او به امام بیان شده که از جمله آنها، کمک به شیعیان برای تشریف به حج در هر سال و کمک های مخفی به امام کاظم علیه السلام است (کشی، ۱۳۶۳، ص ۴۳۷). از داستان های معروفی که بیانگر ارتباط و کمک های مؤثر او به امام است، ماجرای تجلیل هارون از علی بن یقطین است که به اختصار بیان می کنیم:

روزی هارون الرشید جامه هایی به منظور تکریم برای علی بن یقطین فرستاد و در میان آنها جبه ای بود از خز سیاه رنگ که از جامه های طلاکوب سلطنتی بود. علی بن یقطین مقدار زیادی از آن جامه ها را نزد حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فرستاد که در میان آنها، آن جبه نیز بود

امام صادق علیه السلام فرمودند: شما کشتی هستید و این ناخدای آن است. فیض می گوید: سال آینده به حج رفتم و دو هزار دینار داشتم که هزار دینار آن را برای امام صادق علیه السلام و هزار دیگر را برای ابوالحسن موسی علیه السلام فرستادم. چون خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم، فرمودند: او را با من برابر داشتی؟ عرض کردم: من این کار را به فرموده شما کردم. فرمودند: به خدا، من این کار نکردم، بلکه خدای - عزوجل - نسبت به او انجام داده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۱۱).

اما در بیشتر مواقع، شیعیان هدایا را به وسیله فرستاده ای از نزدیکان خود برای امام ارسال می کردند. محمد بن زیاد درباره هدایایی که برای امام می فرستاد، می گوید: من با خودم قراری داشتم که در هر سال نصف درآمد غلات دو مزرعه را، که در بصره داشتم، به امام حسن عسکری علیه السلام تقدیم کنم. قبل از آن غلات و زراعت آنها بسیار خوب و پاکیزه می شد. من مبلغ ۲۰۰ دینار شماره کردم که برای آن حضرت بفرستم. پسرعموی من اسماعیل هم اموالی نزد من فرستاد که با نامه و اموال خود برای امام حسن عسکری علیه السلام بفرستم. من مال پسرعمویم را از مال خودم جدا نکردم. آن حضرت در جوابم نوشتند: آنچه را تو و پسرعموی تو اسماعیل، که قوم و خویش توست به واسطه تو برای ما فرستاد، رسید (مسعودی، ۱۴۲۶ق، ص ۲۴۸).

برخی از شیعیان نیز همراه زکات خود، اموالی را به عنوان صله و هدیه خدمت امام تقدیم می کردند. محمد بن اسماعیل بن بزیر در روایت خود، گفت: دینارهایی را از طرف یکی از افراد خانواده ام برای امام رضا علیه السلام فرستادم و برای ایشان نوشتم که ۷۵ دینار زکات در میان آنهاست و بقیه صله است (صدوق، ۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۸). وصیت افراد مبنی بر تعلق بخشی از اموالشان به امام، پس از مر آنها نیز امری رایج در بین شیعیان بود (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۶۰؛ صدوق، ۱۳۷۸ق، ج ۴، ص ۲۳۲).

برخاستم و گفتم: یا امیرالمؤمنین، اگر تو را به یک خیرخواهی که می‌دانم راهنمایی کنم، به من امان می‌دهی؟ گفتم: آری، آن خیرخواهی چیست؟ گفتم: موسی بن عبدالله بن حسن را به تو نشان می‌دهم. گفتم: آری، تو در امانی. گفتم: به من مدرکی بده که خاطر جمع باشد. از او عهد و پیمان‌ها گرفتم و از خود اطمینان یافتم. سپس گفتم: خود من موسی بن عبدالله هستم. گفتم: بنابراین، گرامی هستی و به تو عطا می‌شود. مهدی به من گفتم: چه کسی تو را می‌شناسد؟ من گفتم: این حسن بن زید است که مرا می‌شناسد و این موسی بن جعفر علیه السلام است که مرا می‌شناسد و این حسن بن عبدالله بن عباس است که مرا می‌شناسد. همه گفتند: آری، یا امیرالمؤمنین. سپس من به مهدی گفتم: یا امیرالمؤمنین، همانا این پیشامد را پدر این مرد (به موسی بن جعفر علیه السلام اشاره کردم) به من خبر داد. موسی بن عبدالله می‌گوید: در آنجا، دروغی هم به امام جعفر صادق علیه السلام بستم و گفتم: و به من امر کرد که به تو سلام برسانم و فرمود: او پیشوای عدالت و سخاوت است. مهدی دستور داد: پنج هزار دینار به موسی بن جعفر علیه السلام تقدیم کنند آن حضرت دو هزار دینارش را به من دادند و به تمام اصحابشان صلّه بخشیدند و با من خوب صلّه رحم کردند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۶۵ و ۳۶۶).

ماجرای نذر مادر متوکل عباسی برای بهبود متوکل نیز از دیگر قضایایی است که بیانگر توجه غیرشیعیان به جایگاه اجتماعی و معنوی امامان معصوم علیهم السلام است:

ابراهیم بن محمد طاهری می‌گوید: متوکل مریض شد و علت مرضش هم این بود که جراحی از بدنش خارج گردید که نزدیک بود وی را هلاک کند. کسی هم جرئت نمی‌کرد به وسیله آهنی از آن زخم چرک و خونساز بیرون بیاورد. مادر متوکل نذر کرده بود که اگر فرزندش از این مرض بهبودی حاصل کند از مال شخصی خودش،

و نیز مقداری از مال خود را که هر ساله برحسب معمول، از خمس مال خود برای آن جناب می‌فرستاد. چون آن مال و جامه‌ها به دست امام رسید، همه را پذیرفتند و تنها آن جبه را به وسیله آورنده به سوی علی بن یقطین بازگرداندند و در نامه‌ای به او مرقوم فرمودند: این جبه را نگه دار و از دست مده که برای آن جریانی پیش خواهد آمد و تو بدان نیازمند خواهی شد... (مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۲۵).

ب. هدایا و نذور: همان‌گونه که بیان شد، جایگاه امامان معصوم علیهم السلام نزد شیعیان از حیث امامت و رهبری آنان، حایز اهمیت بوده است. همچنین در میان دیگر مسلمانان نیز به سبب والایی خاندان و ارتباط با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و نسب ایشان، همواره مورد تکریم مردم و اشخاص قرار گرفته‌اند و هدایایی از جانب آنها به ایشان می‌رسیده که خود از منابع قابل توجه مالی امامان معصوم علیهم السلام بوده که برای کمک به شیعیان و امور لازم از آن استفاده می‌کردند.

در گزارشی از ابراهیم بن مهزیار، خادم امام هادی علیه السلام، درباره پذیرفتن یا نپذیرفتن هشت درهم هدیه‌ای که از «طرسوس» (از بلاد روم و هم‌مرز با شام) (یاقوت حموی، ۱۹۹۵م، ج ۴، ص ۲۸) رسیده بود آمده است که او از امام سؤال کرد و امام اجازه دریافت آن و هدایای دیگر ادیان را به او دادند و افزودند: «رسول خدا صلی الله علیه و آله هدیه یهودی و نصرانی را نیز رد نمی‌کردند» (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۷، ص ۲۹۲).

از دیگر اموالی که از ناحیه غیرشیعیان به عنوان هدیه به امامان شیعه می‌رسید، اموالی است که از ناحیه خلفا و نزدیکانشان تقدیم می‌شد که غالباً صرف کمک به فقوای شیعه می‌شد. از این هدایا، می‌توان به صلّه مهدی عباسی به امام کاظم علیه السلام اشاره کرد:

موسی بن عبدالله می‌گوید: نزد مهدی عباسی رفتم، زمانی که او به حج رفته بود و در سایه دیوار کعبه، برای مردم خطبه می‌خواند. بدون اینکه مرا بشناسد، از پای منبر

مقدار زیادی به حضرت هادی علیه السلام بدهد. پس از آنکه متوکل از ناراحتی آسوده شد و زخمش بهبودی یافت، به مادر متوکل مژده دادند که متوکل بهبودی یافت. او هم ده هزار دینار از ملک خود را برای حضرت هادی علیه السلام فرستاد (طبرسی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۱۱۹-۲۱۴).

نتیجه‌گیری

رفتار امامان معصوم علیهم السلام در فعالیت‌های اقتصادی و سیره ایشان در کسب درآمد، الگوی مناسبی برای همه، به‌ویژه شیعیان و دوست‌داران ایشان، است. همچنین انگیزه آنان در کسب درآمد، اعم از تأمین نیازهای شخصی و کمک به شیعیان در تأمین احتیاجات و در تنگناهای اقتصادی نیز اهمیت دارد؛ زیرا اسوه‌های بشریت در تمام امور، اطاعت از فرمان‌های الهی و هدایت و راهبری مردم را بر امور خود و تأمین نیازهای شخصی مقدم می‌دانستند.

از سوی دیگر، این‌گونه فعالیت‌ها نوعی جنبه سیاسی نیز داشت که به‌عنوان مخالفت عملی با نظام اقتصادی و سیاسی حاکم بر جامعه به حساب می‌آمد. سیاست‌های اعمال‌شده از ناحیه خلفا، که بی‌عدالتی و عدم مساوات میان مسلمانان را در پی داشت، بیش از پیش امامان معصوم علیهم السلام را بر آن می‌داشت تا روش و الگویی برای برون‌رفت از مشکلات اقتصادی نظام و همچنین در امان ماندن شیعیان از این اوضاع اقتصادی ارائه دهند.

منابع

- نهج البلاغه، ۱۳۷۹، ترجمه محمد دشتی، قم، مشهور.
ابن ابی‌جمهور، محمدبن زین‌الدین، ۱۴۰۵ق، *عوالی اللسانی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة*، تحقیق مجتبی عراقی، قم، سیدالشهداء.
ابن اثیر، ابوالحسن علی‌بن محمد، ۱۴۰۹ق، *أسد الغابة فی معرفة الصحابة*، بیروت، دارالفکر.
اربلی، محمدبن عیسی، ۱۳۸۱ق، *کشف الغمة فی معرفة الائمه*، تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی، تبریز، مکتبه بنی‌هاشمی.
اشکوری، احمد، ۱۳۷۹، «موقوفات امیرالمؤمنین علی علیه السلام»،

- میقات حج، ش ۳۴.
بخاری، محمدبن اسماعیل، ۱۴۱۰ق، *صحیح البخاری*، تحقیق مصطفی دیب‌البغا، ج چهارم، بیروت، دار ابن‌کثیر.
پاینده، ابوالقاسم، ۱۳۸۲، *نهج الفصاحة* (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول)، تهران، دنیای دانش.
حراعلمی، محمدبن حسن، ۱۴۱۴ق، *وسائل الشیعة*، تحقیق محمدرضا جلالی، قم، مؤسسه آل‌البت علیهم السلام.
صدوق، محمدبن علی، ۱۳۶۲، *الخصال*، تصحیح علی‌اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
—، ۱۳۷۸ق، *عیون اخبار الرضا علیه السلام*، تصحیح مهدی لاجوردی، تهران، جهان.
—، ۱۴۱۳ق، *من لا یحضر الفقیه*، تصحیح علی‌اکبر غفاری، ج دوم، قم، جامعه مدرسین.
—، ۱۳۷۶، *الأمالی*، تهران، کتابچی.
طبرسی، فضل‌بن حسن، ۱۴۱۷ق، *إعلام الوری باعلام الهدی*، قم، مؤسسه آل‌البت علیهم السلام.
طبری، محمدبن جریر، ۱۳۸۷ق، *تاریخ الأمم والملوک*، تحقیق محمدابوالفضل ابراهیم، ج دوم، بیروت، دارالتراث.
طوسی، محمدبن حسن، ۱۴۰۷ق، *تهذیب الأحکام*، تحقیق حسن الموسوی خراسان، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
عریضی، علی‌بن جعفر، ۱۴۰۹ق، *مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها*، قم، مؤسسه آل‌البت علیهم السلام.
عیاشی، محمدبن مسعود، ۱۳۸۰ق، *تفسیر العیاشی*، تصحیح سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران، المطبعة العلمیه.
کشی، محمدبن عمر، ۱۳۶۳، *اختیار معرفة الرجال*، تصحیح مهدی رجایی، قم، مؤسسه آل‌البت.
کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۰۷ق، *کافی*، تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الانوار*، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
مسعودی، علی‌بن حسین، ۱۳۶۲، *ترجمه إثبات الوصیة*، ترجمه محمدجواد نجفی، تهران، اسلامیه.
مفید، محمدبن محمدبن نعمان، ۱۴۱۳ق، *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، قم، کنگره شیخ مفید.
میبذی، حسین بن معین‌الدین، ۱۴۱۱ق، *دیوان امیرالمؤمنین علیه السلام*، ترجمه و تصحیح مصطفی زمانی، قم، نداء الإسلام.
نوری، حسین بن محمدتقی، ۱۴۰۸ق، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم، مؤسسه آل‌البت علیهم السلام.
یاقوت حموی، عبدالله، ۱۴۱۴ق، *معجم البلدان*، ج دوم، بیروت، دار صادر.